

ایسکرا

۱۰۴۰

دبیر کمیته کردستان نسان نودینیان
Tel: 00491714130061
E-mail: nasan.nodinian@gmail.com

۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۹، ۱۳ مه ۲۰۲۰ تلفن تماس با ما Tel: 004915142486244

سردبیر عبدال گلپریان

بیاد فرزاد کمانگر و یارانش

عبدال گلپریان

روز پنجشنبه ۱۹ اردیبهشت ۹۹ مصادف با دهمین سالگرد اعدام فرزاد کمانگر و یارانش در روز ۱۹ اردیبهشت سال ۱۳۸۹ بود. در آن روز جمهوری اسلامی دست به جنایت وحشیانه ای زد و پنج نفر از زندانیان سیاسی، فرزاد کمانگر، شیرین علم هولی، مهدی حسینیان، فرهاد وکیلی و علی حیدریان را اعدام کرد.

وحشت زده نظاره گر اوضاع شدند. سنجندج، مهاباد، کامیاران، پاوه، نوسود، بوکان، دیواندره، دهگلان، سقز، بانه، ربط، سردشت، پیرانشهر، نقده، و اشنویه و دیگر شهرهای کردستان به اعتصاب عمومی پیوستند.

سرکوبگران اسلامی با ایجاد فضای نظامی و با حکومت نظامی اعلام نشده تمام تلاش خود را بکار گرفتند که جلو حرکت مردم را بگیرند اما ناکام ماندند. جنایتکاران اسلامی که تشبثات خود را یعنی یک روز قبل از اعتصاب عمومی شروع کرده بودند باز هم نتوانستند با ایجاد فضای رعب و وحشت و مانور دادن مانع پیوستن مردم به این حرکت شوند.

در افغانستان و همچنین در کشورهای اروپایی و دیگر کشورها علیه جنایت حکومت اسلامی و در حمایت از اعتصاب عمومی مردم شهرهای کردستان، آکسیونها و تظاهراتی وسیعی در مقابل دفاتر ترور و جاسوسی رژیم اسلامی و در میادین و خیابانهای این شهرها برگزار شد و این عمل وحشیانه حاکمان اسلامی را بشدت محکوم کردند.

بدین ترتیب فراخوان احزاب و سازمانهای سیاسی و پاسخ متحدانه و یکدست مردم شهرهای کردستان به شرکت در اعتصاب عمومی روز ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۹ علیه توحش اسلامی، جواب محکم و دندان شکنی به قاتلان اسلامی حاکم بر ایران بود. مردم کردستان با این اعتصاب پیروزمند برگ زرین دیگری از اعتراض عمومی خود

صفحه ۲



نامه هایی از فرزاد کمانگر از داخل زندان

صفحه ۲

آدمکش چرخانی تلویزیونی جمهوری اسلامی

صفحه ۴

کمیته بین المللی علیه اعدام

تحریر و نه بزرگ به کابینه مصطفی کاظمی نگاهی به تحولات سیاسی در عراق

صفحه ۵

عبدال گلپریان

اخبار هفتگی کرونا در شهرهای کردستان و راههای مقابله با آن

صفحه ۵

یددی محمودی

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۷

عزیزه لطفی

اطلاعیه های حزب

ادامه اعتصاب ۲۵۰۰ کارگر معدن کرمان با همراهی خانواده هایشان

بیماری کرونا- اطلاعیه شماره ۵۲
ادامه اعتراضات گسترده کارگر در دل بحران کرونا

بیماری کرونا- اطلاعیه شماره ۵۲
اعتراض پرستاران، انتخاب محمد حبیبی بعنوان معلم نمونه،
تأیید حکم نسرین جلالی اعتراض پرستاران گیلان

اطلاعیه شماره ۴
ادامه قدرتمند اعتصاب ۲۵۰۰ کارگر زغال سنگ کرمان

اطلاعیه شماره ۶ کارگران زغال سنگ کرمان مجدداً به اعتصاب بازگشتند
می جنگیم، می میریم ذلت نمی پذیریم

صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نامه هایی از فرزاد کمانگر از داخل زندان

نامه فرزاد کمانگر، معلم محکوم به اعدام، به دانش آموزانش - اسفند ۱۳۸۶



بچه ها سلام، دلم برای همه شما تنگ شده، اینجا شب و روز با خیال و خاطرات شیرینتان شعر زندگی میسریم، هر روز به جای شما به خورشید روزخیز میگویم، از لای این دیوارهای بلند با شما بیدار میشوم، با شما میخندم و با شما میخوابم. گاهی «چیزی شبیه دلتنگی» همه وجودم را میگیرد. کاش میشد مانند گذشته خسته از بازدید که آن را گردش علمی مینامیدیم، و خسته از همه هیاهوها، گرد و غبار خستگیهایمان را همراه زلالی چشمه روستا به دست فراموشی میسپردیم، کاش میشد مثل گذشته گوشمان را به «صدای پای آب» و تمنای ما را به نوازش گل و گیاه میسپردیم و همراه با سمفونی زیبای طبیعت کلاس درسمان را تشکیل میدادیم و کتاب ریاضی را با همه مجهولات زیر سنگی میگذاشتیم چون وقتی بابا نانی برای تقدیم کردن در سفره ندارد چه فرقی میکند، پی سه ممیز چهارده باشد یا صد ممیز چهارده، درس علوم را با همه تغییرات شیمیایی و فیزیکی دنیا به کناری میگذاشتیم و به امید تغییری از جنس «عشق و معجزه» لکه های ابر را در آسمان همراه با نسیم بلرقه میگردیم و منتظر تغییری میماندیم که کورس همان همکلاسی پرشورتان را از سر کلاس راهی کارگری نکند و در نوجوانی از بلندای ساختمان به دنبال نان برای همیشه سقوط ننماید و ترکمان نکند، منتظر تغییری که برای عید نوروز یکجفت کفش نو و یک دست لباس خوب و یک سفره پر از نقل و شیرینی برای همه به همراه داشته باشد. کاش میشد دوباره و دزدکی دور از چشمان ناظم اخموی مدرسه الفبای کردیمان را دوره میگردیم و برای هم با زبان مادری شعر می سرودیم و آواز میخواندیم و بعد دست در دست هم میرقصیدیم و میرقصیدیم و میرقصیدیم. کاش میشد باز در بین پسران کلاس اولی همان دروازه بان میشدم و شما در رویای رونالدو شدن به آقا معلمتان گل میزدید و همدیگر را در آغوش میکشیدید، اما افسوس نمیدانید که در سرزمین ما رویاها و آرزوها قبل از قاب عکسمان غبار فراموشی به خود میگیرد، کاش میشد باز پای ثابت حلقه عمو زنجیرباف دختران کلاس اول میشدم، همان دخترانی که میدانم سالها بعد در گوشه دفتر خاطراتتان دزدکی مینویسید کاش دختر به دنیا نیامد.

نامه های يك اعدامی میدانم بزرگ شده اید، شوهر میکیند ولی برای من همان فرشتگان پاک و بی آلاچی هستید که هنوز «جای بوسه اهورا مزدا» بین چشمان زیبایان دیده میشود، راستی چه کسی میداند اگر شما فرشتگان زاده رنج و فقر نبودید، کاغذ به

دست برای کمین زنان امضاء جمع نمیکردید و یا اگر در این گوشه از «خاک فراموش شده خدا» به دنیا نمی آمدید، مجبور نبودید در سن سیزده سالگی با چشمانی پراز اشک و حسرت «زیر تور سفید زن شدن» برای آخرین بار با مدرسه وداع کنید و «قصه تلخ جنس دوم بودن» را با تمام وجود تجربه کنید. دختران سرزمین اهورا، فردا که در دامن طبیعت خواستید برای فرزندان پونه بچینید یا برایشان از بنفشه تاجی از گل بسازید حتماً از تمام پاکی ها و شادی های دوران کودکیان یاد کنید. پسران طبیعت آفتاب میدانم دیگر نمیتوانید با همکلاسیهایتان بنشینید، بخوانید و بخندید چون بعد از «مصیبت مرد شدن» تازه «غم نان» گریبان شما را گرفته، اما یادتان باشد که به شعر، به آواز، به لیلیاهایتان، به رویاهایتان پشت نکنید، به فرزندان یاد بدهید برای سرزمینشان برای امروز و فرداها فرزندی از جنس «شعر و باران» باشند به دست باد و آفتاب میسپارمتان تا فردایی نه چندان دور درس عشق و صداقت را برای سرزمینمان مترنم شوید.

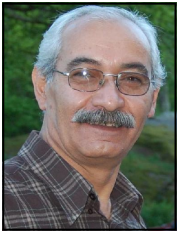
رفیق، همبازی و معلم دوران کودکی تان
فرزاد کمانگر
زندان رجایی شهر کرج ۱۳۸۶/۱۲/۹

بنویسید درد و رنج، بخوانید زندگی اردیبهشت ۱۳۸۷



آنکه از رگ و ریشه آموزگار است همه چیز را تنها در ارتباط با شاگردانش جدی میگیرد (نیچه) به آن روزها فکر میکنم، باید معلم بچه هایی میشدم که در کودکی درد و رنج بزرگسالی را به دوش میکشیدند و در بزرگسالی آرزوهای برآورده نشده کودکیشان را از فرزندان پنهان میکردند، معلم دخترانی که با دستانی پر نقش و نگار سویچمشان را پای دار قالی میگذاشتند تا هنرشان زینت بخش خانه های دیگران باشد و مژده نان برای سفره خانواده. معلم کودکانی که زاده رنج و درد بودند اما امید و حرکت سرود جاری لبانشان بود، کسانی که سخت کوشی و سخاوت را از طبیعت به ارث برده بودند. آنها کسی را میخواستند از جنس خودشان، کسی که بوی خاک بدهد، کسی که معنی نابرابری و فقر را بداند، رفیقی که همبازشان شود و آرزوهایشان را باور کند. با آنها بخندد و با آنها بگیرد. آنها يك دوست، يك سنگ صبور، يك هم راز میخواستند که مثل خودشان بیقرار ساعتی مدرسه باشد کسی که به ماندن فکر کند نه رفتن. دیری نگذشت که در کنار آنها خود را نه معلم که محصلی دیدم که خیلی دیر راه مکتبش را یافته بود. کتابها را بستم که مبادا مرگ و ناامیدی از لای سطور سیاهشان به حلقه شادی و دنیای آرزوهایشان رسوخ کند، هر روز

از صفحه ۱ پیاد فرزاد کمانگر و...



علیه حکومت قتل و جنایت اسلامی را بر تاریخ مبارزاتی خود حک کردند.

۲۳ اردیبهشت هر سال یادآور همبستگی و اتحاد مردم آزادیخواه شهرهای کردستان و انسانهای شرافتمندی است که در همه جا علیه اعدام این عزیزان و از این حرکت تاریخی و این اعتصاب پیروزمند حمایت کردند. ظهور دایناسورهای اسلامی طی حاکمیت ننگینشان از ابتدا تا به امروز چیزی جز، اعدام، زندان، شکنجه، تجاوز، فقر، فلاکت و در يك کلام ایجاد جهنمی به تمام معنا برای مردم نبوده است و در مقابل این توحش مردم مبارز و سرنگونی طلب دمی از مبارزه کوتاه نیامده و تا به امروز برای پایان دادن به حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی همچنان می جنگند و دی ماه ۹۶، آبان و دی ماه ۹۸ را برای سرنگونی جمهوری اسلامی خلق کردند.

بعد از گذشت ده سال از اعدام

این عزیزان اکنون جنبش علیه اعدام و علیه قتل عمد دولتی، قدرتمند تر از هر زمانی در مقابل این جنایات و آدمکشی حکومت اسلامی به پیش می رود.

در دهمین سال اعدام این عزیزان ضمن گرمای داشت یاد شان، جنبش علیه اعدام را تقویت کنیم و با ایستادن در برابر این جنایات، ماشین کشتار حکومت اسلامی را تا مقطع کامل سرنگون کردنش باید متوقف کرد. یاد عزیزان، فرزاد کمانگر، شیرین علم هولی، مهدی حسینیان، فرهاد وکیلی و علی حیدریان گرمای باد.

۲۱ اردیبهشت ۹۹



کلاس را به دست آرزوها و رویاها میسپردیم و با داستانهای مختلف صفا میگردیم. همراه با ماهی سیاه کوچولو این بار نه از راه ارس بلکه از مسیر سیرون دریای زندگی و حقیقت را جستجو میگردیم. همراه با داستان "مسافر کوچولو" برای یافتن دوست به سفر میرفتیم تا آنها لذت سفر را در رویا تجربه کنند و من با مردم بودن را در میان آنها تمرین نمایم. هر داستانی را که میخواندم نقش قهرمانانش را به آنها میدادم غافل از اینکه هر کدام از آنها قهرمانان داستان پر رنج و درد زندگی خود بودند. هر روز برای چند ساعت، رنج نابرابری ها و درد ناملازمات را پشت دیوارهای مدرسه به دست فراموشی میسپردیم و رو بروی هم مینشستیم. گرمی کلاسمان بوی

نان گرمی بود که دسترنج پدر بود و مادر آن را در طبق اخلاص و سادگی میگذاشت و به مدرسه می آورد تا ظهر، سیر از دیدار هم، کوچه های پرفراز و نشیب زندگی را برای انجام تکالیفمان بییمائیم و تا فردای دیدار هر کدام به دنبال مشق و تکلیف زندگی پی راه خود میرفتیم. نامه های يك اعدامی "گاوه" با آن جثه نحیف اما استوارش نهار نخورده به جای پدر بیمار چوپان میشد و غروب هنگامی که گوسفندان را به روستا برمیگرداند، مادر با لبخندی به پیشواز نان آور خانه میرفت تا خستگی کاوه و گرم طبیعت را برکت نام دهد و از پستانهای گوسفندان بدوشد و برای فروش راهی شهر کند و

از صفحه ۲ **نامه هایی از فرزاد کمانگر...**

کاهه سرمست از رضایت مادر لبخندی میزد و به کیف مدرسه و تکالیف فراهایش چشم میدوخت و لبخند زیبایش رنگ میباخت. ... و "لیلا" با آن چشمان پریشگر و نگاهی که تا اعماق وجود فکر آدمی را برای جواب رویایش جستجو میکرد کیف مدرسه را که زمین میگذاشت، دوک نخ ریزی را برمیداشت تا او هم کمکی کرده باشد به مادر، برای یافتن نان فردا، و دوک را همراه با آرزوهای کوچک و بزرگش در دست میچرخاند تا ته اش باریک شود چون رشته های لطیف خیال او و باز دوک را میچرخاند و میچرخاند تا شاید روزی دنیا به کام او و مادر نتایجش بچرخد ... و "فریاد" با دیدن تکه ابری به پشت بام خانه میرفت و کاهگل آماده میکرد تا مبادا چکه های باران قالی کهنه اش را بی رنگ و رو تر کند. آنچنان مهارت یافته بود که همراه پدر پشت بام خانه های همه روستا را مرمت میکرد تا چکه های باران مژده نان فراهایشان باشد، فقط گاهی میماند از میان سوز سرما و نان فردا برای باریدن باران و برف دعا کند یا نه ... و یاسر پس از مرگ پدر کار میکرد تا جای خالی او را پر کند و بتواند برای برادرش ممداد رنگی و آبرنگ بخرد تا شاید آرزوی نقاش شدن خودش را برادرش برآورده کند. ... ادریس غایب فصل بهار کلاسمان هر روز با کوله باری بر دوش، خوشحال از اینکه طبیعت او را از سفره گشاده اش نا امید نکرده بود، چند کیلو گیاه برای فروش میافت و به روستا بر میگشت. و من نیز جرمه شده بودم تا هر روز بیقرار از نابرابریها و بیزار از آنچه تقدیر و سرنوشت می نامیدندش در برابرشان بایستم و بارقه های کم سوی امید را در چشمانشان به نظاره بنشینم، در برابر کاهه سرم را به زیر می انداختم و

دفترش را از زیر صورت آفتاب خورده اش که روی آن به خواب رفته بود بیرون میکشیدم و زیر دیکته نانوخته اش مینوشتم "چوپان کوچولو بیست هم برای تو کم است" و در کنار لیلا شرمنده از خستگی دیروزش، دستان زیر و ترک خورده اش را در دست میگرفتم تا لطافت دست فرشته ای را لمس کنم و قبل از اینکه حرفی بزنم نگاه نافذ و معصومانه اش هزاران سؤال را همراه داشت و من سکوت میکردم، و در کنار ادریس، عاصی از تکلیف دوباره فرداش

نامه های يك اعدامیدستان تاول زده او را مینگریستم و همراه او از پنجره به دور دستها چشم میدوختم و او از رفتن بهار غمگین میشد و من از رنگ پریده او. و امروز با يك دنیا غرور، خوشحالی، بغض، حسرت و کوله باری از خاطرات تلخ و شیرین به آن روزها فکر میکنم. روز معلم بود که گرانبهاترین هدیه های زندگیم را آتروز از آموزگاران بزرگ زندگی ام دریافت نمودم؛ لیلا، سه عدد تخم مرغ، ادریس، دو کیلو کنگر، دسترنج یکروزش، فرشته، دوشاخه آلاله کوهی، ندا، يك عروسک از چوب و پارچه ساخته بود و یاسر يك نقاشی. و برای اینکه آن روز را در خاطراتمان جاودانه کنیم قرار شد که آرزوهایشان را با مدادهای رنگین نقاشی کنند. کاهه در حالی که به پدرش فکر میکرد بیمارستانی کشید و زیرش نوشت این بیمارستان مجانی همه بیمارهای فقیر دنیا را مداوا میکند. فریاد "که همیشه آسمانی صاف و بدون ابر نقاشی میکرد تا دیگر دست و پای کسی یخ نزند دوباره آسمانی کشید و تا میتوانست خانه های زیبا و کوچک بر آن نقاشی کرد و زیرش نوشت این خانه ها برای کسانی است که خانه ندارند، آسمان هم بزرگ و جادار است مثل زمین نیست که کوچک باشد و مجبور باشیم برای زندگی روی آن پول بدهیم در آسمان برای همه جا هست و من باز هم میتوانم در آن خانه بکشم. فرشته هم که همیشه برای خودش و خواهرهایش برادری کوچک نقاشی میکرد اینبار به او گفتم که فرشته دنیا را از نو نقاشی کن بدون اینکه کسی تو را بخاطر دختر بودن کم ببیند، تو را مثل خودت و با خودت ببیند و او يك عالمه

عروسک دخترانه کشید که بدور دنیا دست گرفته اند و میخواندند و یاسر مثل همیشه آرزوی پدرش را نقاشی میکرد يك وانت آبی رنگ تا شاید در رویا پدرش کول بری نکند و قرار شد یاسر نیز سرزمینمان را از نو نقاشی کند بدون فقر و نابرابری، بدون اینکه کول برهای بانه، سردشت، مریوان و کامیاران مجبور شوند برای جابجایی ۱۰ کیلو چای برای دوهزار تومان جانشان را بدهند، او يك منظره زیبا از طبیعت کشید که مردم مشغول کارند و زیر آن نوشت "کاش دیگر مرگ به کمین نان نمی نشست". فرزاد کمانگر فرعی هژندان رجائی شهر کرج - ۸/۲/۸

پاییز در چشمان میدیا آخرین نامه فرزاد کمانگر اردیبهشت ۱۳۸۹

پاییز با همه ی زیباییش مهمان طبیعت شده بود و طبیعت شبیه عروس مغروری بود که خیاط آفرینش برای آراستش از هیچ رنگی کم نگذاشته بود. در میان باغ ها و مزارع که بسان تابلویی زیبا راه باریکو پر پیچ و خم روستا در آن گم می شد محو این زیبایی ها می شدم. همیشه این راه باریک را برای برگشتن به روستا به جاده ی بی روحی که دل مزارع را بی رحمانه و ناشیانه شکافته بود ترجیح می دادم. سه روز تعطیلی و دوری از مدرسه و اشتیاق دیدار دوباره ی بچه ها بر سرعت گام هایم می افزود. رابطه ی من و دانش آموزانم تنها رابطه ی معلم و شاگردی نبود. برای من آنها اعضای خانواده ام بودند. انگار سال ها با هم زندگی کرده بودیم. هر روز با کلاس اولی ها روبوسی می کردم. برای صبحانه بوی روغن محلی و آش و نان تازه ای که بچه ها با خودشان می آوردند تا مهمانشان شوم در مدرسه می پیچید. از ساعت هشت صبح تا پنج بعد از ظهر در مدرسه بودم. در بین کلاس اولی ها دختری بنام میدیا ای بود که چشمان زیبا و موهای بلند طلایی و شیرین زبانی اش از او فرشته ای معصوم ساخته بود تا برای من و همه ی روستا دوست داشتنی باشد. هر روز میدیا زنگ تفریح همراه با دوستانش مرا به اجبار از دفتر مدرسه به حلقه ی عمو زنجبیر باف کلاس اولی ها می کشاند و من ناخواسته تسلیم بازی کودکانی آنها می شدم. مادر

میدیا زن جوان و مهربانی بود که به تحصیل و تربیت فرزندش اهمیت بسیار می داد. هفته ای یک بار به مدرسه می آمد، و اما پدر میدیا مردی بود خشن که سایه ی هولناکش زیادی بر زندگی آن زن سنگینی می کرد. هرگاه میدیا مادرش را در مدرسه می دید مانند پروانه ای به دور او می چرخید و او نیز محو تماشای دخترش می شد. گاهی به دور دست ها خیره می شد و آه سوزناکی از اعماق وجودش می کشید. رفتار او و عشقش نسبت به میدیا برایم به صورت معما در آمده بود. همیشه در چشمانش درد یا غصه ای جا خوش کرده بود. آن روز مزارع خلوت بود، از کنار چشمه گذشتم، خبری از عطر چای تازه دم نبود، اصلاً برخلاف همیشه کسی مشغول کار نبود. دلهره ای عجیب به سراغم آمده بود. از کنار قبرستان روستا گذشتم، قبر جدیدی توجهم را به خود جلب کرد. با خود گفتم طبق قانون نانوشته ی طبیعت، سال خورده ای ساکن جدید از سر و کولم بالا نرفت.

يك راست وارد کلاس شدم، سلام کردم، چند نفری به آرامی جواب دادند، می خواستم علت را جویا شوم که در کلاس بواسطه ی سنگی که پشت آن گذاشته بودیم تا باز نشود با سر و صدا باز شد و میدیا وارد کلاس شد. من که متوجه غیبت او نشده بودم لبخندی زدم و میدیا سرش را پایین انداخت و با چشمانی پر از اشک سلام کرد و سر جایش نشست. پرسیدم چی شده میدیا؟ به من هم بگین. کژال دوست و همسایه ی میدیا گفت: آقا مگه نمی دونی دادا ۲۱ خیال خودسوزی کرده؟ گفتم خیال؟ گفت بله، مادر میدیا. با دیدن چشمان گریان میدیا من بی اختیار به گریه افتادم و همه ی کلاس با اشک های میدیا گریستند. میدیا مادرش را در حال سوختن دیده بود. از آن روز به بعد نه من و نه هیچ کس دیگری خنده های کودکانی میدیا را ندید. چشم های او شباهت عجیبی به چشمان مادرش پیدا کرد، يك زن، يك درد در چشمانش جا خوش کرد و کلاس شاد ما تا آخر سال به رنگ چشم های خزان زده ی میدیا در آمد.

فرزاد کمانگر / زندان اوین
اردیبهشت ماه ۱۳۸۹



"بگذارید قلبم در سینه کسی بتپد مهم نیست با چه زبانی صحبت کند یا رنگ پوستش چه باشد فقط کودک کارگری باشد تا زبری دستان پینه بسته پدرش، شراره طغیانی دوباره در برابر نابرابریها را در قلبم زنده نگهدارد."

فرزاد کمانگر

آدمکش چرخانی تلویزیونی جمهوری اسلامی



می شود. چرا که این حکومت آدمکشان حرفه‌ای است.

با این حال اینکه امروز یک جلاذ و آدمکش را به تلویزیون می آورند که در کمال خونسردی از پرونده جنایتکارانه خود دفاع کند و یا از او تمجید بعمل آورند، دلیل دارد. دلیلش این است که می دانند طوفانی در راه است. می دانند که مردم از این همه آسیبی که حکومت به آنها وارد آورده است خشمگین و عصابانی هستند. حرکت اعتراضی خیابانی مردم علیرغم شرایط خطرناک کرونا دوباره سرریز کرده است. چنان نگرانند که مهره های سوخته ای مثل خاتمی نسبت به بروز طغیان اجتماعی در جامعه هشدار می دهند. جمهوری اسلامی برای مقابله با طغیان احتمالی مردم می خواهد ظرفیت آدمکشی خود و آدمکشان حرفه ای اش را به رخ شهروندان بکشد. اینکه چقدر این نمایشات می تواند مردم را بترساند بحث دیگری است. قادر نیستند از بروز حرکت‌های اعتراضی مردم جلوگیری کنند. همانطور که جمهوری اسلامی با این همه دستگاه سرکوبش نتوانست جلوی تکرار شورش های خیابانی را در سالهای

حضور قاضی عصمت‌الله جابری در تلویزیون جمهوری اسلامی یعنی کسی که لقب مرد اعدام در ایران را دارد یک حادثه اتفاقی نیست. حتی مسئله به اعدام وحشیانه شهلا جاهد و اظهارات وقیحانه این آدمکش اسلامی در این مورد محدود نمی شود. اگر چه خود این قاضی بی شرم هم اعلام می کند که علیرغم همه تقلا و تبلیغات جمهوری اسلامی افکار عمومی مخالف اعدام شهلا جاهد بود. (در این مورد در پایان نوشته بیشتر خواهیم پرداخت)

عصمت‌الله جابری یکی از آدمکشان حرفه‌ای جمهوری اسلامی است. او اجرای حداقل ۳۵۰ حکم قصاص را در پرونده خود دارد. مسئله فقط اعدام نیست. خودش با افتخار در گفتگو با مهر می گوید سه حکم قطع دست را نیز اجرا کرده است. او در همین مصاحبه با خونسردی تمام از این حرف می زند که اعدام "سعادت" است که نصیب محکومان به اعدام می شود. باور کنید این تنها در جمهوری اسلامی است که این چنین از کشتن آدمها ابراز رضایت می شود و از آدمکشان حرفه‌ای چنین ستایش

گذشته بگیرد. مردم دارند نیرویشان را جمع می کنند که اینبار قوی تر از گذشته به میدان بیایند. جمهوری اسلامی و مردم ایران وارد فاز تعیین کننده ای از نبرد شده اند. حکومت دست به کشتار می زند تا بماند و مردم برای زنده ماندن باید این حکومت را به زیر بکشند. لازم است که نیرویمان را در ابعاد میلیونی متحد و متشکل کنیم تا کمر این رژیم وحشی و جنایتکار را به خاک بمالیم.

از آنجایی که عصمت‌الله جابری در مورد کیس شهلا جاهد حرف زده است ما هم اینجا چند نکته را یاد آوری می کنیم و اجازه نمی دهیم که حرفهای کینه توزانه این آدمکش اسلامی حقیقت پرونده شهلا جاهد را خدشه دار کند. شهلا یک پرستار بود و عاشق فوتبالیست معروف ایرانی ناصر محمد خانی شد و این دو نفر زندگی مشترک مخفی را با هم در آپارتمانی در تهران شروع کردند. ناصر محمد خانی همزمان همسر لاله سرخیزان بود و لاله در مهرماه سال ۸۱ در تهران به قتل میرسد، در حالیکه ناصر برای مسابقه فوتبال به آلمان رفته بود و شهلا در رابطه با این قتل دستگیر میشود.

قبل از اینکه تحقیقاتی انجام بشود و چیزی اثبات شود در رسانه های حکومتی شهلا را به عنوان قاتل معرفی کردند و او را در زندان مخفی و مخوف اطلاعات زیر بازجویی همراه با شکنجه بردند. شهلا چند سال قبل در تماسی تلفنی از زندان به مینا احدی گفت: «چندین روز و چندین هفته زیر بازجویی بودم. هر کاری میتوانستند با من کردند. تا پای مرگ شکنجه ام کردند، تحقیر کردند، هفته ها

آزارم دادند و بالاخره مجبورم کردند آنچه را که آنها دیکته میکنند، بگویم. حتی تهدیدم کردند که دختر کوچکی از اقوام مرا که همچون فرزند من بود، به آنجا آورده و به او آزار میرسانند... برای اینکه دست از سرم بردارند، هر آنچه آنها میخواستند را «اقرار» کردم. بعد از اینکه شکنجه ها تمام شد در دادگاههای بعدی اعتراض کردم و اتهام قتل را رد کردم اما کسی گوشش بدهکار نیست».

وکیل پرونده شهلا، عبدالصمد خرمشاهی، همواره گفته است این پرونده ده ایراد حقوقی دارد. از جمله در محل قتل سیگاری نیمه کشیده پیدا شده و شهلا اصلا سیگاری نیست. ضربه های چاقو توسط یک نفر چپ دست زده شده و شهلا با دست راست کار میکند، جسد را بعد از به قتل رساندن، لباس تمیز پوشانده اند و این از عهده شهلا بر نمی آید در رسیدگی ابتدائی به این پرونده، شاهد یک بررسی شفاف نبودیم و ایرادات شکلی و ماهوی زیادی از ابتدا در پرونده وجود داشت. تحقیقات اولیه به صورت کامل انجام نشد، شهلا و مطلعین حاضر نشدند، بررسی هایی علمی صورت نگرفت و از سوی دیگر رسیدگی با سرعت انجام شد و ... معاینه پزشکی از لاله نیز نشان داد که احتمالا قبل از اینکه لاله به قتل برسد به او تجاوز شده است.

اما سیستم قضائی رژیم، تصمیمش را قبل از بازجویی و اثبات چیزی گرفته بود. قصد داشت شهلا را قاتل معرفی کند و از این اقرار استفاده کرد و شهلا را ۱۰ آذر ۸۹ در زندان اوین اعدام کرد. دادگاه شهلا به یکی از جنجالهای ترین دادگاهها تبدیل شد و همگان از زبان شهلا شنیدند که به زور

شکنجه و تهدید از او اعتراف گرفته اند. شهلا جاهد در این دادگاه از رفتارهای وحشیانه در زندان و بی عدالتی موجود در دادگاه انتقاد کرد و گفت که قربانی میشود تا اصل پرونده قتل مورد بررسی قرار نگیرد. شهلا یک زن جوان، باهوش و علاقمند به هنر و شعر است. او در زندان شعر می گفت و بدلیل خصوصیات و توانائی هایش مورد احترام زنان زندانی بود. فعالیت گسترده ای علیه حکم اعدام شهلا در ایران و در سطح بین المللی انجام گرفت که کمیته بین المللی علیه اعدام و مینا احدی نقش زیادی در این کمپین ایفا کردند. از زندگی او فیلمی تهیه شده بنام «کارت سرخ» که در رسانه های بین المللی نشان داده شده و در برخی فستیوال ها از جمله در هلند به نمایش درآمده است.

شهلا جاهد قربانی یک رژیم جنایتکار و زن ستیز شد. با اعدام شهلا جاهد یکبار دیگر ضدانسانی بودن اعدام در ابعاد وسیعی برای مردم روشن شد. اعدام قتل عمد دولتی است و باید ملغی شود. دیر نخواهد بود روزی که آمرین و عاملین قتل شهلا جاهد ها را به پای میز محاکمه بکشانیم.

سرنگون یاد رژیم اعدام جمهوری اسلامی

رمزرها- مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام
۰۰۴۶۷۳۷۸۹۶۵۰۵
حسن صالحی- سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام
۰۰۴۶۷۰۳۱۷۱۱۰۲

۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۹
۱۱ مه ۲۰۲۰

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه سات
فرکانس : 11766
یولاریا سیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات

متضمن تعرض به جسم افراد
(نقص عضو، تبیه بدنی، و غیره)
نحت هر شرایطی ممنوع است.
همچنین مجازات حبس اند
باید لغو شود.

STOP
EXECUTIONS
NOW!

اعدام

تحریر و نه بزرگ به کابینه مصطفی کاظمی نگاهی به تحولات سیاسی در عراق



علیرغم اختلاف نظر احزاب پارلمانی بر سر نخست وزیری او و موافقت ترامپ با زرفی و مخالفت جمهوری اسلامی با او، اما باز هم این مردم معترض و ناراضی بودند که مهر باطل بر تصاویر عدنان زرفی کشیده و او هم کنار رفت.

نخست وزیری مصطفی کاظمی و تشکیل کابینه

گزینه دیگر رئیس جمهور عراق برای پست نخست وزیری این کشور مصطفی کاظمی بود تا با انتصاب او و راه اندازی کابینه ای توافق شده با احزاب پارلمانی بتواند مرهمی بر بحران و بن بست غیر قابل حل حکومت بگذارد. در میان بالایی ها کاظمی به طرفداری از دولت آمریکا شناخته شده است. او میگوید بالانسی در رابطه با مناسبات حکومت عراق با دولت آمریکا و جمهوری اسلامی ایجاد کند. جدای از این در احزاب شریک در پارلمان عراق، (شیعه، سنی و احزاب حکومت اقلیم کردستان نه بصورت یکدست و متحد بلکه بسیار متشتت) با کاظمی مخالفت اصولی ندارند اما دعوا میان آنان بر سر پست و موقعیت های کلیدی هر یک از این احزاب در دولت و کابینه کاظمی است. حزب ایاد علاوی و حزب نوری مالکی به همراه گروه های کوچکتر دیگری مخالفت خود را با کاظمی و کابینه اش اعلام کردند. پیداست که موافقت و مخالفت با نخست وزیری و تشکیل کابینه مصطفی کاظمی از سوی این احزاب فقط بر بستر سهم، پست و موقعیتهای کلیدی در دولت جهت غارت هر چه بیشتر هستی مردم عراق است. محمد کاظمی یک ماه فرصت داشت تا اعضای کابینه اش را به پارلمان

صفحه ۶

عبدالکپریان

تحولات سیاسی در عراق بر بستر دو جبهه نبرد در این کشور که در مقابل هم صف آرای کرده اند، قابل بررسی کردن و ارزیابی است. یکم ناراضی توده های میلیونی مردم که از مقطع سرنگونی حکومت بعث صدام حسین یک روز خوش بخود ندیده و خواهان تغییر ساختار و نظام حاکم بر این کشور هستند و در سوی دیگر دولت، پارلمان، احزاب عشیره ای اسلامی، دارودسته گروه های مسلح، همراه با ایفای نقش جمهوری اسلامی و دولت آمریکا در عراق است. بدون بررسی نقش، افق و اهداف این دو جبهه اصلی و ربط مستقیم آنها به یکدیگر، تحلیل و ارزیابی از رویدادهای عراق یک بررسی سطحی نگران خواهد بود.

قیام مردم عراق

اوایل اکتبر ۲۰۱۹ و در ادامه اعتراضات دوره های قبل از آن، تعرض رادیکال، سکولار و میلیونی مردم در سراسر شهرهای عراق بار دیگر شروع به خروشیدن کرد و به میدان آمد. مردم معترض که انگشت اتهام را بسوی احزاب پارلمانی عشیره ای اسلامی حکومت در بوجود آوردن فقر، بیکاری، عدم تامین امنیت و گسترش فساد حکومتی و چپاول هستی مردم طی ۱۷ سال گذشته نشانه گرفته بودند، خواهان کنار رفتن حکومتگران، استعفا وزیران و انحلال مجلس و همچنین بیرون کردن جمهوری اسلامی از عراق شدند. مردم قیام کننده عراق خواستار تامین و تحقق یک زندگی مرفه، سکولار و انسانی شدند و تضمین تحقق مطالبات خود را از طریق نمایندگان منتخب خود اعلام کردند. تا قبل از شیوع ویروس کرونا، این اعتراضات در میادین و خیابانهای شهرهای بغداد، بصره، ناصریه، نجف، کربلا و چندین شهر دیگر عراق، به مصادف با حکومت، ماموران سرکوب و احزاب پارلمانی عشیره ای اسلامی رفت. بعد از اوج گرفتن این اعتراضات، عادل عبدالمهدی نخست وزیر ناچار به استعفا از پست نخست وزیری شد.

اخبار هفتگی کرونا در شهرهای کردستان و راههای مقابله با آن



یدی محمودی

همیشه شانه بالا می اندازند، یک راه و تنها یک راه برای رسیدن به خواسته های مردم وجود دارد، آنهم متشکل شدن در تشکلهای توده ای کارگران و زحمتکش و خواستار تامین کامل زندگی مردم و همه کسانی که بخاطر کرونا کارشان را از دست داده اند و صد البته نه بر اساس سیستمی که حکومت اسلامی راه انداخته، بلکه بر اساس سقف تورم در کشور و استانداردهای یک زندگی شایسته و قابل قبول همگانی!!

فعالیت گروههای مبارزه با کرونا

روز ۲۹ اردیبهشت گروه "ژیانه وه" از طرفداران محیط زیست در شهر سنندج، برای گرامیداشت جانباختگان جهانی کادر درمانی در مبارزه با کرونا، همت به کاشت درختهای ارغوان و کاج سوزنی در کوه آبیدر کردند. این گروه از طرفداران محیط زیست با پلاکارد بزرگی که روی آن نوشته شده بود "زیست محیط گرای فرهنگ انسان است" با کاشت ۲۰ نهال ارغوان یاد همه پزشکان و کادر درمانی که در سال ۲۰۲۰ جان خود را از دست داده اند را گرامی داشتند. از سوی دیگر کمیته مردمی محلات شهر مریوان علیه کرونا در کوره موسوی، دور دیگری از فعالیت خود را با نصب و جاگذاری دبه های ۲۵ لیتری ضد عفونی شروع کردند. کمیته محلات اعلام کرده که این دبه ها برای استفاده عمومی مردم در نانوائی ها، سوپر مارکتها و اهالی محله خواهند بود و روزانه دبه ها شارژ محلول ضد عفونی خواهند شد. همچنین این کمیته ها اعلام کرده اند که در روزهای آتی دبه های شیردار ضد عفونی کننده را بصورت وسیع تری جا گذاری خواهند کرد.

Yadi.mahmodi@gmail.com

Telegram:
@YadiNar

آمار کرونا همچنان رو به گسترش است و مقامات جنایتکار حکومت اسلامی در ادامه بی مسئولیتی خود، روز به روز با لغو ممنوعیت های ایجاد شده به گسترش کرونا این بیماری مهلک که جهان را با بحران بی سابقه ای روبرو کرده دامن می زنند. طبق آمار دروغین خود حکومتیان، کرونا در شهرهای کردستان نه تنها رو به کاهش نیست، بلکه هر روز آمار مبتلایان و قربانیان این ویروس کشنده بیشتر می شود. بر اساس اعلام دانشگاه علوم پزشکی استان کردستان در روز ۲۲ اردیبهشت آمار مبتلایان و قربانیان کرونا در شهرهای کردستان چنین است.

سنندج ۵۲۳ و ۳۰ نفر جانباخته، سقز ۴۰۴ و ۳۵ نفر جانباخته، بانه ۲۲۱ و ۱۹ نفر جانباخته، قروه ۱۵۸ و ۹ نفر جانباخته، دیواندره ۱۳۸ و ۲ نفر جانباخته، مریوان ۱۱۲ و ۷ نفر جانباخته، بیجار ۱۰۹ و ۹ نفر جانباخته، کامیاران ۹۶ نفر و ۹ نفر جانباخته، دهگلان ۸۶ نفر و ۲ نفر جانباخته و سروآباد ۲۶ نفر مبتلا. لازم به ذکر است که در استان کردستان تا هم اکنون فقط پنج هزار و ۷۴۳ نفر تست کرونا داده اند که از این تعداد هزار و ۸۷۳ نفر مبتلا بوده اند و این یعنی ۳۲.۶٪ تست شدگان به کوید ۱۹ مبتلایند. همچنین همین آمار کذائی حکومتیان نسبت به یک هفته پیش نشان می دهد که کرونا در شهرهای کردستان ۱۶.۷٪ افزایش داشته. کرونا هنوز قربانی می گیرد و رژیم دزدان و قاتلان اسلامی هم از زیر بار مسئولیت خود در قبال جامعه مثل

شوراهای محلی را تشکیل دهیم و کنترل محلات را در دست بگیریم
سرنگون یاد جمهوری اسلامی!

از صفحه ۵ **تحریر و نه بزرگ به ...**

معرفی کند. دو روز مانده به پایان این موعود، یعنی در روز چهارشنبه ششم ماه مه، پارلمان عراق تشکیل جلسه داد و مصطفی کاظمی اعضای کابینه اش را بجز پست وزیر نفت و وزیر خارجه به پارلمان معرفی کرد. در رابطه با مصطفی کاظمی از آنجا که بدلیل شیوع ویروس کرونا تجمعات گسترده اعتراضی همانند پیش از بروز این ویروس کم شده است، اما مردم ناراضی عراق در مورد او نیز همان معیارهای قبلی در مورد انتصاب نخست وزیران شکست خورده پیشین مبنی بر اینکه هیچ مهره ای را که طی ۱۷ سال گذشته که مقام و منصبی در حکومت عراق داشته باشند قبول ندارند، شامل مصطفی کاظمی هم میشود چرا که او بمدت دو سال وزیر اطلاعات در دولت عراق بوده است.

بالاخره اواخر روز چهارشنبه ششم می تا بامداد روز پنجشنبه هفتم می جلسه پارلمان برای دادن رای به کابینه مصطفی کاظمی ادامه داشت و از ۲۲ وزیر تعداد ۱۵

بهم ریختگی قواره حشد الشعبی

در گوشه دیگر تحولات سیاسی در عراق، بهم ریختگی صفوف جریانات متشکل در ساختار حشد الشعبی، جریان مسلح و باندهای تروریست دست ساز جمهوری اسلامی در عراق است که بدنبال کشته شدن قاسم سلیمانی و ابو مهدی مهندس، بتدریج شیرازه این نیروها از هم گسیخته شده است. در حال حاضر چهار گروه عمده متشکل در این نهاد تروریستی وابسته به جمهوری اسلامی از آن جدا شده و قرار است بعد از شروع کار دولت جدید در ساختار ارتش عراق سازماندهی شوند. در خبرها آمده بود که علاوه بر این چهار جریان که خود را وابسته به مراجع شیعه در عراق میدانند، ده گروه دیگر میخواهند از حشد الشعبی فاصله بگیرند و در ساختار ارتش عراق

سازماندهی شوند. این را هم باید اضافه کرد، در حالی حشد الشعبی دچار ریزش و چند دستگی شده است که پیشتر قاسم سلیمانی در صدد ایجاد یک سپاه واحد بنام "سپاه اسلامی" از گروههای متشکل در حشد الشعبی بود تا از این طریق آنرا گسترش دهد و از آن نیرویی بلامنازع در عراق و در منطقه سازمان دهد.

از یک سو بحران و بن بست حکومت عراق و خروج بخشی از نیروهای آمریکایی از این کشور و از سوی دیگر بهم ریختگی صفوف جریان حشد الشعبی، این امکان را برای پس ماندن های دولت اسلامی داعش مهیا کرده است تا به یک سری عملیات علیه گروه حشد الشعبی دست بزنند که اخیرا در مناطق "حویجه"، "داقوق"، "دیاله" و مجموعا در شش منطقه اطراف بغداد اقدام به حمله به مراکز حشد الشعبی کردند که بنا به خبرهای منتشر شده بیش از چهل کشته و تعداد دیگری زخمی از حشد الشعبی از خود برجای گذاشته است.

سربرآوردن خشم انقلابی پسا کرونای مردم عراق

تمامی وقایع و تحولات هشت ماه گذشته در عراق بر بستر حضور و خیزش میلیونی مردم این کشور علیه دولت و پارلمان، علیه حضور جمهوری اسلامی و علیه تمامی دارودسته های کانگستر مسلح و سرکوب در عراق بوقوع پیوسته است. با اینکه مسئله شیوع ویروس کرونا به مانعی در مقابل ادامه تجمعات معترضین در میدان تحریر و دیگر میداین شهرهای عراق تبدیل شده است اما خواست و مطالبات مردم ستممیده عراق همچنان بقوت خود باقی است. با کاهش جمعیت در میدان تحریر و دیگر میداین اعتراضی در شهرهای عراق، باز هم نیروهای مسلح و سرکوب حکومت قادر به اشغال و تصرف این مکانها نشده اند. مردم معترض عراق علیرغم بده و بستان احزاب پارلمانی با همبگیر برای تداوم غارت هستی جامعه، نه بزرگ و محکمی در مقابل نخست وزیری محمد کاظمی و کابینه اش را در گوش احزاب پارلمانی، مفتخوران و غارتگران حاکم فرو کردند.

در این نباید کمترین تردیدی

داشت که کابینه محمد کاظمی ابدا قادر نخواهد بود که بحران و بن بست حکومت عراق را برطرف و حتی قدری از آن بکاهد. حکومتی که بیش از شش ماه است عملا از نظر اقتصادی و سیاسی فلج شده است، اعتراضات رادیکال و میلیونی مردم تاکنون سه نخست وزیر را پایین کشیده و اوضاع و شرایط بروز و شیوع ویروس کرونا دهها برابر زندگی زیر خط فقر آنان را بیشتر کرده است، مطلقا توانایی آنرا نخواهد داشت دردی از هزارو یک درد این مردم خشمگین، ناراضی، بیکار و فقر زده را درمان کند. صفوف مشتت، اختلافات عیدیه، توافق کذابی و اجباری احزاب پارلمانی برای تایید کابینه مصطفی کاظمی آنقدر شکننده است که حتی بدون اعتراضات مردم نیز دوام چندانی نخواهد داشت.

قیام و انقلابی که طی شش ماه گذشته از سوی مردم عراق برای کنار زدن احزاب عشره ای اسلامی حاکم بر عراق برای تحقق و تامین یک حکومت سکولار و یک زندگی انسانی بیش از ۷۰۰ نفر قربانی و ۲۷ هزار نفر زخمی از خود بر جای گذاشته است، در روزهای آینده پسا کرونا خشمگین تر از پیش بمیدان خواهد آمد.

۷ مه ۲۰۲۰

انترناسیونال ۸۶۷

۱۰ مه و شروع مجدد اعتراضات مردم عراق بعد از کرونا

همانگونه که انتظار میرفت و قابل پیش بینی بود، مردم معترض عراق بار دیگر به میداین و خیابانهای شهرهای بزرگ بازگشتند. جوانان و مردم معترض از سرگیری اعتراضات بعد از کرونا را "۱۰ مه" نام گذاشته اند.

بعد از معاملات پشت پرده مصطفی کاظمی با احزاب عشیره ای اسلامی در پارلمان عراق جهت مشروعیت بخشیدن به او و کابینه اش در اوایل بامداد پنج شنبه هفتم ماه مه، مردم بستوه آمده از دارودسته های حاکم بر عراق، همان روز در تدارک تجمعات و گردمایی های ماههای قبل برآمدند که بدلیل شیوع ویروس کرونا و بدلیل درماندگی احزاب پارلمانی برای گمردن نخست وزیر و تشکیل کابینه در بن بست قرار گرفته بودند.

روز یکشنبه دهم مه این اعتراضات در بغداد و شش استان دیگر عراق بار دیگر خروشید و علیه دولت سرهم بندی شده احزاب پارلمانی به خیابانها آمد. مسئله ویروس کرونا هم نتوانست مانع از آن شود که معترضین ساکت بنشینند.

بدلیل درهم ریختگی احزاب پارلمانی هنوز کابینه کاظمی از داشتن هفت وزیر محروم است. کلیدی ترین پستها نظیر وزیر نفت و وزیر امور خارجه هنوز بی صاحب هستند و احزاب پارلمانی بر سر تقسیم صندلی و ثروت همچنان مشغول چانه زنی هستند.

جوانان و مردم عراق کابینه کاظمی و خود او را متعلق به احزاب پارلمانی میدانند و آنها را مردود اعلام کرده اند و بار دیگر خواستار خروج دارودسته های جمهوری اسلامی از عراق شده اند.

کاظمی برای نشان دادن "حسن نیت" جهت بدست آوردن رضایت مردم دستور داده است که تمامی بازداشتی های اعتراضات بیش از هفت ماه گذشته از زندان آزاد شوند. مردم اما میگویند تمامی کسانیکه در بقتل رسانیدن نزدیک به هفتصد نفر در اعتراضات عراق دست داشته اند باید بطور علنی مجازات شوند. از جمله آنان افراد درجه اول و دستور دهنده کشتار جوانان همچون هادی عامری و قیس خزعلی و ... اشاره کرده اند.

مقتدا صدر که دستان او باشان او به خون بسیاری از جوانان عراق آلوده است میکوشد بار دیگر بر اعتراضات مردم سوار شود. او بعد از مشاهده شروع مجدد اعتراضات لرزه بر پیکر حزیش نشست است و گفته است: "به محمد کاظمی صد روز وقت میدهم که دست به اصلاحات بزند".

در این تردیدی نیست که نه مصطفی کاظمی و کابینه اش، نه مقتدا صدر و نه احزاب عشیره ای اسلامی نخواهند توانست حریف مردم خشمگین عراق شوند. مردم کماکان بر کنار رفتن دولت، احزاب پارلمانی و دیگر کاربدهستان حکومت پای میفشارند و خواهان یک زندگی بهتر از طریق نمایندگان منتخب خود در کف خیابانها هستند.

۱۱ مه ۲۰۲۰

۲۳ اردیبهشت ۹۹

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

تهیه و تنظیم: عزیزه لطفی



پروین محمدی آزاد شد

روز شنبه ۱۳ اردیبهشت پروین محمدی نائب رئیس اتحادیه آزاد کارگران که برای تمدید مرخصی خود به مراکز قضایی رفته بود، متوجه صدور حکم آزادی اش شد. وی از تاریخ ۷ اسفندماه در مرخصی ناشی از شیوع کرونا به سر می برد.

آزادی پروین محمدی را به وی و خانواده اش و همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب که برای آزادی زندانیان سیاسی تلاش می کنند، تبریک می گوئیم. خواست ما آزادی فوری همه زندانیان سیاسی است که جمهوری اسلامی برای سرکوب جامعه، زندگی آنها را به گروگان گرفته است.

با پایان مرخصی سپیده فرهان به زندان اوین بازگشت

پایان مرخصی سپیده فرهان به زندان اوین بازگشت سپیده فرهان فعال مدنی و یکی از بازداشت شدگان اعتراضات دیماه ۹۶ قرار بود در تاریخ ۲۸ اسفند به دلیل بیماری کرونا به مرخصی بیاید اما ۱۸ فروردین به مرخصی آمد. اینبار که قرار بر این بوده است که مرخصی اش تا ۳۱ اردیبهشت ادامه پیدا کند اما روز یکشنبه ۲۱ اردیبهشت با پایان مدت مرخصی به زندان اوین بازگشت. سپیده فرهان در تاریخ ۱۲ دی ماه ۹۶ در جریان اعتراضات سراسری دیماه بازداشت و پس از حدود یک ماه و نیم با تودیع قرار به صورت موقت و تا پایان مراحل دادرسی از زندان اوین آزاد شد. اتهامات سپیده فرهان در کیفرخواست ابتدا اخلاص در نظم عمومی و اجتماعی و تبانی علیه امنیت کشور عنوان شد که با نقض اتهام اخلاص در نظم عمومی نهایتاً به تحمل دو سال حبس تعزیری محکوم شد. سپیده فرهان در تاریخ ۱۱ دی ماه ۱۳۹۸ بازداشت و جهت تحمل دوران محکومیت ۲ ساله خود راهی زندان اوین شده بود.

نسرین جوادی به تحمل ۵ سال حبس محکوم شد...

دادگاه تجدیدنظر رژیم، نسرین جوادی، از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر سال ۹۸ را از بابت دو اتهام "تبلیغ علیه نظام" و "اخلال در نظم عمومی" تبرئه و او را از بابت اتهام "اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت کشور" به ۵ سال حبس محکوم کرد.

گفتنی است، نسرین جوادی (اعظم خضری) پیشتر و در مرحله بدوی توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران از بابت اتهام "اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت کشور" به ۵ سال حبس، از بابت اتهام "تبلیغ علیه نظام" به ۱ سال حبس و برای اتهام "اخلال در نظم عمومی" به ۱ سال حبس، ۷۴ ضربه شلاق و محرومیت استفاده از گوشی هوشمند و ممنوعیت عضویت در احزاب و گروه ها و دستجات سیاسی و اجتماعی محکوم شده بود.

لازم به یادآوری است که نسرین جوادی روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشتماه ۱۳۹۸، همزمان با روز جهانی کارگر، به همراه دهها تن دیگر از کارگران و بازنشستگان در تجمع اعتراضی در مقابل ساختمان مجلس، بازداشت و در تاریخ ۸ خرداد ۱۳۹۸ با تودیع قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی از زندان قرچک آزاد شد.

نسرین جوادی کارگر سابق شرکت پخش تجهیزات پزشکی و بازنشسته تامین اجتماعی، عضو هیات موسس شورای

کارگری بازنشستگان تامین اجتماعی (بستا) و از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران است.

نامه گلرخ ایرایی از زندان قرچک ورامین؛ فشارها بر زینبجلالیان ادامه دارد

زینب جلالیان یکی از قدیمیترین زندانیان سیاسی ایران است. او پس از گذراندن سالها حبس در بازداشتگاهها و زندانهای مختلف و پس از تحمل شکنجههای بسیار، مجدداً در روزهای اخیر از زندان خوی که نزدیک به محل سکونت خانواده اش است، به زندان قرچک ورامین منتقل شد و با فشارهای مجدد ماموران امنیتی مواجه شد.

زینب جلالیان طی سالهای طولانی حبس در برابر تمامی آزار و اذیتها مقاومت کرد و تن به اعترافات دیکته شده امنیتیها نداد.

این انتقال ناهنگام پس از سالها حبس و همچنین انتقال سکینه پروانه دیگر زندانی سیاسی به زندان قرچک ورامین که در ماههای اخیر فشارهای زیادی را متحمل شده، برای اعمال فشار بیشتر بوده است.

سکینه پروانه از زمان انتقال به زندان قرچک برای اعمال فشار بیشتر بارها با بیمارستان روان درمانی امینآباد منتقل و مورد ضرب و جرح قرار گرفته است. و باید گفت اینها همه گویای نقض حقوق انسان است.

این حرکات کینهتوزانه توسط ارگانهای امنیتی محکوم است و سکوت در برابر آن جنایت است و مسئولیتی سنگین برعهده مدعیان می گذارد. زینب جلالیان، نه فقط یک شخص و نه فقط یک زندانی است؛ بلکه مفهوم گم شده مبارزه در فضای مبتدل سیاسی امروز ایران است. زینب جلالیان آموزگار الفبای آزادی خواهی است. او مفهوم مقاومتی است که توسط دوست و دشمن از یاد برده شد.

زنده باد یاد فرزاد کمانگر که در دهمین سالروز جان باختنش هستیم. و پررهور باد راه آزادی خواهانی که فریفته نام و جایگاه نشدند؛ و اگر چه سر به دار و تن به تازیانه داده اند، مفهوم مبارزه را دستخوش منافع و مطامع شخصی نکرده اند.

گلرخ ایرایی / ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۹ / زندان قرچک ورامین

رضوانه احمدخانیگی به ۶ سال حبس محکوم شد...
شعبه ۳۶ بیدادگاه تجدیدنظر تهران، حکم رضوانه

احمدخانیگی، فعال مدنی در دادگاه بدوی را عیناً تایید کرد. او پیشتر توسط شعبه ۲۴ دادگاه انقلاب تهران به تحمل ۶ سال حبس تعزیری محکوم شده بود. وی در اعتراضات سراسری آبان ۹۸ توسط مزدوران امنیتی رژیم در منزل خود در تهران بازداشت و در تاریخ ۲۱ آذرماه با پایان مراحل بازجویی به بند زندان اوین منتقل شد. این فعال مدنی پیشتر نیز در پروندهای دیگر توسط دادگاه تجدیدنظر تهران به ۴ سال و ۵ ماه حبس تعزیری محکوم شد. بنا به خبردادگاه تجدیدنظر استان تهران محکومیت رضوانه احمدخانیگی، فعال مدنی در دادگاه بدوی را عیناً تایید کرد. رضوانه احمد خان ییگی به اتهامات "اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت رژیم" و فعالیت تبلیغی علیه نظام" به تحمل ۶ سال حبس تعزیری محکوم شده است. به گفته یک منبع مطلع، رضوانه احمد خانیگی به بیماری صرع و تشنج دچار است و جلادان زندان تاکنون تنها بخشی از داروهای وی را به او رسانده اند.

اوایش برای تصاحب درآمد کودک کار، با بنزین دختر بچه را سوزاندند

قصد داشتند پول یک کودک کار را سرقت کنند. کودک مقاومت می کند، آنها هم بنزین ریخته و او را آتش می زنند. برای حصول درک حداقلی از زیست تهیدستان دختر بچه ای را تصور کنید که تا شب کارگری کرده و وسط میدان برای دفاع از درآمدش با اوایش مبارزه می کند. به عصر هوگو و بینوایان بازگشتیم.

برگرفته از صفحه اتحاد*



پرستاران چه میخواهند: افزایش دستمزد بالای ۹ میلیون، رسمی شدن کلیه قراردادهای موقت، قطع اضافه کاری اجباری، حق تشکل و تجمع و اعتراض، تجهیزات کامل پزشکی برای حفاظت از کلیه کادر درمانی، بازگشت به کار پرستاران اخراجی، درمان رایگان برای همه مردم، ایجاد بیمارستانهای جدید در سراسر کشور، استخدام چندصد هزار پرستار و کادر درمانی، بالا بردن کیفیت درمان در کلیه بیمارستان ها، ...

روز جهانی پرستار گرامی!

اطلاعیه های خبری حزب

ادامه اعتصاب ۲۵۰۰ کارگر معدن کرمان
با همراهی خانواده هایشان



روز ۲۱ اردیبهشت اعتصاب و تجمعات اعتراضی کارگران شرکت معادن زغال سنگ کرمان با تجمع مقابل فرمانداری با همراهی خانواده ها صورت گرفت و ابعاد وسیعتر و کوبنده تری بخود گرفت. اکنون ۲۱ روز است که ۳۵۰۰ کارگر این معدن در اعتراض به فروش سهام معدن و خطر بیکار شدنشان از کار و تعویق پرداخت دستمزدها و عدم پاسخگویی به دیگر مطالباتشان در اعتصاب و اعتراض بسر میبرند. تجمعات اولیه کارگران این معدن در هفته اول اردیبهشت در سه شهرستان راور، کوهستان و زیند انجام گرفت که به آنها وعده داده شده بود که تا دهم اردیبهشت به مشکلاتشان پاسخ داده خواهد شد. اما بدنبال بی جواب ماندن خواسته های کارگران، آنها این بار به همراه خانواده هایشان دست به تجمع و راهپیمایی زدند. با شرکت خانواده ها، این اعتراض ابعاد وسیعتر و کوبنده تری بخود گرفت.

قبلا گزارش کردیم که مدیران معدن کرمان قصد دارند به بهانه کرونا ۴۵ درصد از سهام این معدن را بصورت حراج و با نرخ نازل در بورس عرضه کنند. این نوع حراج گذاشتن سهام کارخانجات بخشی از بالا کشیدن کارخانه ها توسط ایادی حکومتی و سرمایه داران دزد و مفتخور است که نتیجه آن نابودی تولید و بیکارسازی کارگران و فشار معیشتی بر خانواده های کارگری است. کارفرمای این شرکت حتی برای جبران بخشی از هزینه های خود و عملی کردن فروش سهام شرکت قصد دارد که زود تر کارگران را به بیمه بیکاری معرفی کند. کارگران این شرکت اعلام کرده اند که تا متوقف شدن حراج سهام شرکت، به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد.

کارگران معدن زغال سنگ کرمان علاوه بر مساله فروش سهام معدن که در نتیجه آن امنیت شغلی خود را در خطر می بینند به سطح نازل دستمزدها اعتراض دارند و بعنوان يك قدم خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل با اعمال دقیق ضرائب سختی کار، افزایش دستمزد متناسب با عنوان شغلی و سابقه کار و پرداخت دیگر مزایای شغلی خود هستند. به گفته کارگران بسیاری از آنها بعد از ۲۰ سال سابقه کار در اعماق زمین و شرایط خطرناک کاری تنها دو میلیون و هفتصد هزار تومان مزد میگیرند که چندین بار زیر خط فقر است.

اعتراض کارگران زغال سنگ کرمان بطور واقعی فصل مشترکی با اعتراضات کارگران آذر آب، هیکو، نیشکر هفت تپه، فولاد اهواز و بسیاری مراکز دیگر کارگری دارد که در آنها نیز دزدی و چپاول و قراردادهای برده وار کار حاکم است. همه این مراکز همواره کانون های داغ اعتراض بوده اند و این

موضوع اعتراضی سراسری در سطح جامعه است. امروز کارگران زغال سنگ کرمان در برابر این بساط چپاول و دزدی به میدان آمده اند. حزب کمونیست کارگری ضمن اعلام حمایت قاطع خود از مبارزات کارگران زغال سنگ، همه مردم بویژه مردم ساکن شهرهای اطراف را به حمایت و پشتیبانی فعال از خواسته های کارگران فرا میخواند. به خانواده های شرکت کننده در اعتراضات خسته نباشید میگوییم و بر ادامه شرکت فعال همه خانواده ها و مردم در این اعتراض تاکید میکنیم. يك اقدام موثر خانواده ها میتواند رساندن صدای اعتراض کارگران به همه مردم و تشویق شمار هرچه بیشتری از مردم به حمایت از خواسته های کارگران باشد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۹، ۱۰ مه ۲۰۲۰

بیماری کرونا- اطلاعیه شماره ۵۲

ادامه اعتراضات گسترده کارگر در دل بحران کرونا

روز ۲۱ اردیبهشت شماری از کارکنان شاغل در دفاتر سهام عدالت به دلیل نامشخص بودن وضعیت شغلی و معوقات مزدی خود در مقابل ساختمان وزارت اقتصاد و دارایی در تهران تجمع کردند.

روز ۲۱ اردیبهشت کارگران شهرداری تبریز در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و قراردادهای برده وار کاری خود در محوطه تاریخی ساعت شهر تجمع کردند.

روز ۲۰ اردیبهشت کارگران پیمانکاری معدن گل گهر سیرجان در اعتراض به تبعیض در پرداخت حقوق و عدم پرداخت بخشی از مطالبات خود دست به اعتراض زده و خبر آترو رسانه ای کردند. معادن سنگ گلگهر سیرجان شامل چندین معدن است که حدوداً ۱۶ هزار نفر را استخدام کرده است. این کارگران همگی در آزمون ورودی استخدامی معدن گلگهر شرکت کرده و شاغل به کار شده اند. اما برخی از آنان استخدام مستقیم و برخی به استخدام پیمانکاران در آمده اند. بنا بر خبرها کارگران پیمانی علیرغم کار یکسان دستمزد بسیار کمتری از کارگران قرارداد مستقیم دریافت میکنند و برخی از پیمانکاران حتی مزایای مزدی آنان را که نزدیک به هفتاد درصد حداقل حقوق میشود را پرداخت نمیکند. کارگران معدن گل گهر خواستار جمع شدن بساط پیمانکاران و حقوق برابر در برابر کار برابر هستند. اعتراض واقعی این کارگران به سطح نازل دستمزدهاست.

صبح روز شنبه ۲۰ اردیبهشت جمعی از کارگران روغن نباتی جهان در اعتراض به ادامه بلاتکلیفی خود در محوطه این کارخانه دست به تجمع زدند. بنا بر خبر حدود ۸۵ کارگر در این واحد تولیدی با سوابق بالای ۱۵ سال مشغول کارند که مطالبات مربوط به سال ۹۳ تا اسفند ۹۷ خود را هنوز دریافت نکرده اند. در عین حال يك نگرانی مهم این کارگران کمبود امکانات بهداشتی برای مقابله با کرونا و عدم رعایت پروتکل های بهداشتی در این زمینه است. کارگران روغن نباتی ناگزیرند ماسک و دستکش مورد نیاز را با هزینه خود خریداری کنند.

روز ۲۰ اردیبهشت کشاورزان گوجه کار جنوب استان کرمان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود مقابل کارخانه رب گوجه فرنگی تجمع کردند.

روز ۲۰ اردیبهشت اعتصاب کارگران معدن کرومیت

امین یار فاریاب واقع در استان کرمان در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق خود وارد پنجمین روز شد. در این روز بدنبال وعده پرداخت يك ماه حقوق طی ده روز آینده کارگران اعلام کردند که از روز بعد سرکار خواهند رفت. اما اگر به این وعده عمل نشود اعتراضاتشان را از سر خواهند گرفت.

روز ۲۰ اردیبهشت کارگران فضای سبز شهرداری کوهستان در اعتراض به عدم دریافت حقوق اسفند و فروردین و مطالبات سال ۹۸ مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند.

روز سه شنبه ۱۶ اردیبهشت، کارگران شرکت گاز فاروج (شرکت پیمانکاری) در خراسان شمالی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق مقابل این اداره در شهرستان فاروج تجمع کردند.

روز ۱۸ اردیبهشت ارائه دهندگان خدمات پزشکی و پرستاری در منزل، از درمانگاه های خصوصی و دولتی شهرهای استان فارس بار دیگر در اعتراض به سطح نازل دستمزدها و اخراج ها دست به اعتصاب زدند.

روز ۱۶ اردیبهشت جمعی از کارگران شرکت بازیافت زباله اهواز، در اعتراض به تعطیلی این کارخانه پس از شیوع ویروس کرونا، مشکلات معیشتی و عدم دریافت مطالبات مزدی خود در مقابل ساختمان سازمان پسماند شهرداری این شهر تجمع کردند.

روز ۱۶ اردیبهشت جمعی از کارگران فضای سبز شهرداری کوهستان در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق اسفند و فروردین مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. این کارگران خواستار پرداخت حقوق به موقع و جبران هزینه پرداخت دیر هنگام مطالباتشان هستند.

روز ۱۶ اردیبهشت کارگران شرکت معادن زغال سنگ کرمان برای دومین روز متوالی و سومین بار در ماه جاری، از رفتن بر سر کارشان خودداری کردند و با تجمع مقابل ساختمان شرکت ضمن اعتراض به واگذاری به بخش خصوصی خواهان قرارداد دائمی و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل شدند. اعتراض این کارگران به فروش سهام معدن و دزدی های پشت پرده و نا امنی شغلی و سطح نازل حقوقهایشان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۹، ۱۰ مه ۲۰۲۰

بیماری کرونا- اطلاعیه شماره ۵۲

اعتراض پرستاران،

انتخاب محمد حبیبی بعنوان معلم نمونه،

تأیید حکم نسرین جلالی

اعتراض پرستاران گیلان

روز شنبه ۲۰ اردیبهشت جمعی از پرستاران شرکتی استان گیلان در اعتراض به قراردادهای برده وار کاری ۸۹ روزه در مقابل ساختمان دفتر مرکزی دانشگاه علوم پزشکی در رشت تجمع کردند. به گفته پرستاران دانشگاه های علوم پزشکی از استخدام رسمی پرستاران سر باز می زنند و قراردادهای کاری ۸۹ روزه يك بردگی و بی حقوقی آشکار در قبال پرستاران است. ماجرا از این قرار است که دانشگاه علوم پزشکی گیلان در اوسط اسفند ۹۸ اعلام کرد که به دلیل بحران کرونا و کمبود نیروی پرستاری در مراکز دولتی این دانشگاه به کمک شرکت "اوا سلامت" اقدام به جذب نیروی پرستاری با قرار داد يك ساله و بیمه و تمام حقوق و مزایا خواهد کرد. بر این اساس حدود ۵۵۰

از صفحه ۷ اطلاعیه های خبری ...



با ادامه پرونده سازیها و نگهداری زندانیان در زندانها خشم و نفرت گسترده تری را علیه خود دامن میزند. دور نخواهد بود روزی که مردم با انقلاب خویش در زندانها را باز کنند و تمامی زندانیان سیاسی را آزاد نمایند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۹، ۱۰ مه ۲۰۲۰

اطلاعیه شماره ۴

ادامه قدرتمند اعتصاب ۳۵۰۰ کارگر زغال سنگ کرمان

۳۵۰۰ کارگر زغال سنگ کرمان اعتصاب قدرتمند خود را متحدانه ادامه میدهند. امروز ۲۲ اردیبهشت کارگران معدن زغال سنگ کرمان اعتصاب خود را با تاکید بر خواستههای خود ادامه دادند. روز گذشته حضور خانواده های کارگران در تجمع کارگران مقابل فرمانداری چشمگیر بود. اعتراض این کارگران به فروش سهام معدن و خطر بیکار شدنشان از کار و تعویق پرداخت دستمزدها و عدم پاسخگویی به دیگر مطالباتشان است. کارفرمایان شرکت از بحران کرونا استفاده کرده و شروع به حراج گذاشتن ۴۵ درصد سهام کارخانه برای بالا کشیدن اموال این معدن کردند. کارگران در برابر این چپاول و دزدی آشکار که کار و معیشت آنان را به خطر انداخته ایستادند. اعتراضات این کارگران از اول اردیبهشت ماه آغاز شد و وقتی در دهم اردیبهشت مدیریت به وعده های داده شده عمل نکرد دوباره از پانزدهم اردیبهشت در ابعادی گسترده تر از سر گرفته شد و همچنان ادامه دارد.

همانطور که قبلاً گزارش کردیم این کارگران علاوه بر مساله فروش سهام معدن که در نتیجه آن امنیت شغلی خود را در خطر می بینند به سطح نازل دستمزدها اعتراض دارند و بعنوان يك قدم خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل با اعمال دقیق ضرائب سختی کار، افزایش دستمزد متناسب با عنوان شغلی و سابقه کار و پرداخت دیگر مزایای شغلی خود هستند. جمهوری اسلامی سال گذشته، در اعتصاب يك هفته ای این کارگران قول اجرای طرح طبقه بندی را داده بود. اما هیچ اقدامی برای آن صورت نگرفت.

حزب کمونیست کارگری ضمن اعلام حمایت قاطع خود از مبارزات کارگران زغال سنگ همچنان بر نقش فعال خانواده ها در این اعتراضات و همبستگی مردم شهرستانهای این منطقه تاکید دارد. اعتصاب کارگران معدن زغال سنگ کرمان اعتراضی به سبب چپاول و دزدی حاکم است و باید مورد وسیعترین حمایت ها قرار گیرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۹، ۱۱ مه ۲۰۲۰

اطلاعیه شماره ۶

کارگران زغال سنگ کرمان مجدداً به اعتصاب بازگشتند می جنگیم، می میریم ذلت نمی پذیریم

کارگران زغال سنگ کرمان دیروز اعلام کرده بودند که در صورت عملی شدن وعده های مدیریت اعتصاب خود را پایان میدهند. اما امروز ۲۳ اردیبهشت ۳۵۰۰ کارگر شرکت معدن زغال سنگ در اعتراض به خلف وعده های مدیریت و مقامات مسئول دوباره اعتصاب کردند و در محل شرکت دست به تجمع زدند. کارگران خشمگین که با فروش سهام معدن، کار و معیشت خود را در خطر میبینند با شعارهای کوبنده ای چون توپ، تانک، فشفشه، مدیر باید گم بشه، میجنگیم، می میریم، ذلت نمی پذیریم، هو هو مدیرعامل دروغگو، قاطعانه ایستاده و اعلام کردند که اجازه نخواهند داد که زندگی و معیشتشان بازیچه مستی دزد و چپاولگر سرمایه دار شود.

در نشست روز گذشته به کارگران وعده عقد قرارداد بر اساس قانون معمول پرداخت حقوق از اول سال جاری بر مبنای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و همچنین پرداخت حقوق ۷ روز اعتصاب داده شده بود. اما امروز کارگران متوجه شدند که مدیریت قصد عملی کردن این خواستها را ندارد. يك نکته قابل توجه اینست که خانواده های کارگران نیز از دو روز گذشته در تجمعات کارگران شرکت کرده اند.

اعتراض متحدانه ۳۵۰۰ کارگر معدن زغال سنگ کرمان و همراه شدن خانواده ها با آنان يك نقطه قوت این مبارزات است. حزب کمونیست کارگری ضمن اعلام حمایت قاطع خود از مبارزات این کارگران همچنان بر حفظ مجمع عمومی بعنوان مکانی برای متشکل ماندن و متحد عمل کردن کارگران تاکید میکند و همراهی شمار هرچه بیشتری از خانواده های کارگران با اعتراضات را مهم میداند. ما همچنین بر حمایت وسیع کارگران معدن دیگر در کرمان که در وضعیت مشابهی قرار دارند و حمایت مردم این منطقه که بخش بسیاری از آنان نان آوارانشان در این معدن شاغل هستند، تاکید میکنیم. کارگران معدن زغال سنگ کرمان تا همین جا الگوی خوبی از مبارزه متحد کارگری را به نمایش گذاشته اند. از مبارزات معدنچیان زغال سنگ کرمان باید وسیعاً فعالانه حمایت کرد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۹، ۱۲ مه ۲۰۲۰

برای رهایی از ویروس کرونا
باید از کرونای
جمهوری اسلامی رهایی یافت!
سرنگون باد حکومت
چپاول، دروغ و جنایت اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358405758250

E-mail: abdolgolparian3@gmail.com

پرستار به کار فراخوانده شدند. اما بعد از اعلام پایان دوره حد کرونا دانشگاه اعلام کرد که قرار داد به صورت قرار داد ۸۹ روزه خواهد بود و دستمزد ساعتی به پرستارها خواهد داد. این در شرایطی است که مسئولین دانشگاه و شرکت آوا سلامت در همان تاریخ به پرستاران اعلام کرده بودند که به دلیل فشرده بودن شیفت ها و سختی کار از مراکز خصوصی انصراف دهند و بسیاری از آنان به امید جذب در بیمارستانهای دولتی از مراکز خصوصی انصراف داده اند. به گفته پرستاران با گذشت دو ماه کار کردن در شرایط سخت، دشوار و خطرناک هنوز هیچ قرارداد شکرکی با این پرستاران بسته نشده است و دانشگاه اعلام کرده که می خواهد این نیروها را به صورت قرارداد ۸۹ روزه بدون بیمه و حق بهره وری و به صورت ساعتی جذب نماید. این درحالیست که آنها به دلیل ترک کار دیگر اجازه ای برگشت به مراکز خصوصی را ندارند. پرستاران گیلان به این زورگویی ها و قراردادهای موقت کاری ۸۹ روزه اعتراض دارند.

انتخاب محمد حبیبی به عنوان معلم نمونه از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

روز پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران طی مصوبه ای محمد حبیبی را به عنوان معلم نمونه اعلام کرد. این اقدام معلمان پاسخی به سرکوبگری حکومت و ادامه بازداشت محمد حبیبی و صدور حکم اخراج وی از کار است. به گفته لطفی سخنگوی شورا در این جلسه، با توجه به اخراج محمد حبیبی در اردیبهشت ماه و بحث انتخاب معلم نمونه، تشکلهای عضو شورا تصویب نمودند که به پاس قدردانی از معلمان زندانی و تلاش و کوشش آنان برای بهبود نظام آموزشی محمد حبیبی را به عنوان معلم نمونه به جامعه فرهنگیان و مردم ایران معرفی نمایند. این انتخاب به خاطر تلاشهای این معلم برای گسترش فعالیت صنفی و تلاش در راستای دفاع از آموزش و پرورش رایگان، عادلانه و باکیفیت است.

تأیید ۵ سال حکم نسرین جوادی

نسرین جوادی از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران و عضو هیأت مؤسس شورای کارگری بازنشستگان تأمین اجتماعی (بستا) توسط دادگاه تجدیدنظر به پنج سال زندان محکوم گردید. نسرین جوادی در تجمع روز جهانی کارگر سال ۹۸ در مقابل مجلس به همراه دیگر کارگران و بازنشستگان دستگیر شد و پس از ۲۹ روز بازداشت به قید وثیقه آزاد گردید و سپس توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به اتهام تجمع و تبانی جهت اقدام علیه امنیت کشور، اخلاص در نظم و آسایش عمومی و تبلیغ علیه نظام در مجموع به ۷ سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم گردید. دادگاه تجدیدنظر با حذف دو اتهام تبلیغ علیه نظام و اخلاص در نظم، حکم پنج سال حبس به اتهام تجمع و تبانی جهت اقدام علیه امنیت کشور را تأیید نمود. مصادیق اتهامات واهی که علیه نسرین جوادی مطرح گردیده است شرکت در مراسم روز جهانی کارگر و حضور در تجمعات و گلگشتهای کارگری و بازنشستگان برای دفاع از حقوق و مطالبات صنفی است.

تمام پرونده های امنیتی علیه فعالین کارگری و معلمان و فعالین اجتماعی باید لغو شود و همه زندانیان سیاسی فوراً آزاد شوند. این خواست سراسری همه مردم است و جمهوری اسلامی

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!